

بررسی ابعاد و ویژگی‌های انتفاضه سوم و موانع پیش روی آن

فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال هفدهم، شماره 1، پیاپی 65، بهار 1395؛ صفحات 171-186

گفت‌وگوی احمد زارعان با ناصر ابوشریف*

مقدمه

جنبش جهاد اسلامی، ثمره تلاش‌های فکری و سیاسی برخی چهره‌های اسلامی فلسطین است که در اواخر دهه 90 با همت گروهی از دانشجویان جوان فلسطینی مقیم مصر به رهبری دکتر فتحی شقاقی تشکیل شد. در آن زمان، عده‌ای مبارزات را در چارچوب دین و عده‌ای نیز پیکار را بر اساس اصول ملی‌گرایی محض تفسیر می‌کردند. در چنین شرایطی، جنبش جهاد اسلامی با محور قرار دادن مسئله فلسطین و اعتقاد به اینکه جهان غرب و رژیم صهیونیستی برای مبارزه با جهان اسلام و عرب، فلسطین را کانون تهاجمات خود قرار داده‌اند و با شعار وحدت میان گروه‌های فلسطینی، تلاش بسیاری را در راستای آزادی قدس شریف آغاز کرد.

پس از بازگشت دکتر فتحی شقاقی و دوستانش به فلسطین، ساختار تشکیلاتی این جنبش شکل گرفت و بانیان آن تلاش کردند با بسیج مردمی و سیاسی و جهاد مسلحانه، فلسطین را آزاد کنند. با شهادت دکتر فتحی شقاقی، دکتر رمضان

* این گفت‌وگو در مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور، بین دکتر احمد زارعان، معاون پژوهشی مؤسسه اندیشه‌سازان نور و ناصر ابوشریف، نماینده جنبش جهاد اسلامی در تهران برگزار شد.

عبدالله توانست این جنبش را از گرفتاری بزرگی که در پی شهادت مؤسس آن ایجاد شده بود، نجات دهد و ضمن ساماندهی مجدد آن، بسیاری از نیروهای فلسطینی موجود در گروه‌های دیگر را جذب کند. جنبش جهاد اسلامی به اسلام به عنوان عقیده، شریعت، نظام زندگی و یک اصل برای تحلیل و فهم طبیعت جهاد امت اسلام بر ضد دشمنان و مرجع اساسی تدوین برنامه بسیج و دعوت عموم به پیکار نگاه می‌کند. این جنبش، جنبشی جهادی است که در پی به کارگیری همه ظرفیت‌های انسانی، تربیتی، دینی، آموزشی، نظامی، اقتصادی، فرهنگی و تکنولوژی‌های نوین ارتباطی برای نجات فلسطین است و با قاطعیت می‌توان گفت هویت جهاد اسلامی یک پارچه است و از نظر فکری و عقیدتی به هیچ نهادی در خارج از فلسطین وابسته نیست. راسخ بودن جهاد اسلامی در اعتقادات به اندازه‌ای است که مقامات رژیم صهیونیستی اذعان دارند قابل مذاکره نیست و تنها راه مهار جهاد اسلامی، نابودی آن است. در ادامه، به گفت‌وگو با ناصر ابوشریف، نماینده جهاد اسلامی در تهران پرداخته می‌شود که خود از پیشگامان جهاد مسلحانه این جنبش است و سابقه سیزده ساله اسارت در زندان‌های رژیم صهیونیستی را دارد.

● بحران‌های منطقه‌ای تا اندازه زیادی مسئله فلسطین را تحت تأثیر خود قرار داد و گمان می‌رفت تا مدت‌ها اقدام قابل توجهی از سوی مردم فلسطین علیه اشغالگران صهیونیست مشاهده نشود؛ اما انتفاضه اخیر در فلسطین نشان داد که همچنان ظرفیت‌های مبارزه در مردم این کشور وجود دارد. با توجه به اینکه چند ماهی از آغاز انتفاضه اخیر مشهور به انتفاضه سوم می‌گذرد و تا اندازه‌ای، امکان ارزیابی آن وجود دارد، این سؤال مطرح است که این انتفاضه در چه ابعاد و گستره‌ای در جریان است و آیا اساساً یک مبارزه سازماندهی شده است؟

انتفاضه سوم از لحاظ حجم، گستره و قدرت مانند انتفاضه‌های اول و دوم نیست و در شرایط بسیار حساسی در منطقه آغاز شد. تا پیش از آغاز این انتفاضه، مردم فلسطین در صفحه‌های تلویزیون منتظر نتیجه بهار عربی بودند که ناکام ماند. از



سوی دیگر، تشکیلات خودگردان فلسطین نیز یک عامل منفی برای هر نوع انتفاضه‌ای به شمار می‌رود، زیرا تشکیلات خودگردان به رهبری محمود عباس هر مقاومتی را در داخل فلسطین سرکوب می‌کند. این وضعیت، پس از سال 2005 یعنی پس از درگذشت یاسر عرفات تغییر کرد و رویکردهای امنیتی حاکم بر کرانه باختری با رویکردهای امنیتی گذشته دچار تفاوت‌هایی شد. در واقع در این زمان، رویکرد نیروهای امنیتی فلسطینی تحت تأثیر امریکایی‌ها و رویکردهای امنیتی اردن و مصر با تحولاتی مواجه شد.

در حال حاضر، موانع زیادی بر سر راه انتفاضه وجود دارد؛ اما مهم‌ترین مانع در این مسیر، وجود تشکیلات خودگردان فلسطین است. متأسفانه این تشکیلات، تلاش‌های زیادی برای انهدام توانمندی مقاومت فلسطین داشته و این توانمندی‌ها را مورد هدف قرار داده است. یکی از اقدامات تشکیلات خودگردان در راستای تضعیف مقاومت، جمع‌آوری سلاح بود که باعث شد قیمت یک قطعه سلاح، حدود 50 هزار دلار افزایش یابد. در نتیجه، شرایط به گونه‌ای شد که دیگر کسی قادر نبود سلاحی خریداری کند. در نتیجه، بسیاری از رزمندگان مقاومت دستگیر شدند و به زندان افتادند. حتی افراد بی‌سلاح نیز زندانی شدند و نیروهای امنیتی تشکیلات خودگردان به شیوه‌ای پست، تحویل سلاح را شرط آزادی زندانی‌ها اعلام کردند. در این جریان، افرادی که به جنبش‌های اسلامی و مقاومت نزدیک نبودند نیز بازداشت می‌شدند و با کتک زدن جوانانی که با این جنبش فقط سلام و علیک داشتند، مقاومت را سرکوب می‌کردند. این یکی از شیوه‌های رفتاری تشکیلات خودگردان فلسطین با مقاومت بود.

عامل دیگر در تضعیف انتفاضه، تضعیف گروه‌های مقاومتی مانند جهاد اسلامی از سوی حماس بود. در سال 2006 که حماس با قوه نظامی بر غزه سیطره پیدا کرد، وضعیت این منطقه بدتر شد. در این سال، حملات گسترده‌ای علیه جهاد اسلامی راه‌اندازی شد، زیرا حماس، جهاد اسلامی را خطر اصلی

می‌دانست و تلاش می‌کرد با هر شیوه‌ای، آن را نابود کند. پس از پیروزی حماس در انتخابات، بیشتر رهبران جهاد اسلامی از ساختارهای سیاسی، اداری و امنیتی غزه تصفیه شدند. این یک روند صهیونیستی برای نابود کردن جنبش جهاد اسلامی، تطمیع حماس و وارد کردن آن به پیمان اسلو محسوب می‌شود و نقش بسزایی را در وضعیتی که ما در کرانه باختری شاهد آن هستیم، ایفا کرده است.

از سوی دیگر، همه ابزارها و امکانات مالی در اختیار تشکیلات خودگردان است. این تشکیلات، حدود 150 هزار کارمند دارد که از آن حقوق می‌گیرند و پولی هم که از طریق کمک‌های خارجی وارد فلسطین می‌شود، در اختیارش قرار می‌گیرد. تمکن مالی تشکیلات نسبت به سایر گروه‌های فلسطینی و رویکرد خاص آن به مقاومت نیز مانعی برای گسترش انتفاضه مردم فلسطین محسوب می‌شود.

پس از سال 2005، شرایط خاصی در کرانه باختری به وجود آمد که موجب شد انتفاضه‌ای که در حال حاضر در جریان است با انتفاضه‌های اول و دوم متفاوت باشد. پیش از سال 2005 و در انتفاضه‌های اول و دوم، کرانه باختری، غزه و قدس در فرایند انتفاضه حضور داشتند و با یکدیگر مشارکت می‌کردند؛ اما پس از آن، رژیم صهیونیستی از غزه عقب‌نشینی کرد و آنجا به منطقه‌ای عاری از صهیونیست‌ها تبدیل شد. با خروج نیروهای امنیتی رژیم صهیونیستی از کرانه باختری، این منطقه تحت حکومت تشکیلات خودگردان فلسطین در آمد. از این رو، در شرایط کنونی به دلیل عدم تماس مردم کرانه باختری و غزه با صهیونیست‌ها، برخورد گذشته دیده نمی‌شود و این مسئله می‌تواند تأثیر بسزایی در انتفاضه مردم فلسطین داشته باشد. همچنین همت مردم کرانه باختری از همت مردم غزه ضعیف‌تر بود و کرانه باختری نتوانست با شایستگی از مقاومت مردم غزه دفاع کند.

این مسئله تا سال 2014 یعنی زمانی که قیام در کرانه باختری آغاز شد، ادامه پیدا کرد. این قیام می‌توانست به یک انتفاضه ختم شود؛ اما اوضاع خارج از



فلسطین مانع از تحقق این امر شد، زیرا شرایط خارج از فلسطین به گونه ای بود که امکان حمایت از یک انتفاضه در کرانه باختری وجود نداشت. در این سال، تشکیلات خودگردان فلسطین نه تنها با انتفاضه همراهی نکرد، بلکه به موازات رژیم صهیونیستی، انتفاضه کرانه باختری را سرکوب و در نتیجه متوقف کرد.

● علاوه بر مواردی که اشاره کردید، رژیم صهیونیستی محدودیت های شدیدی برای نبود امکان ارتباط مردم کرانه باختری با فلسطینی های ساکن در مناطق اشغالی ایجاد کرده است.

در انتفاضه دوم، رژیم صهیونیستی اقدامات گسترده ای را علیه مردم فلسطین آغاز کرد که یکی از آنها، احداث دیوار حائل برای کنترل ارتباط مردم کرانه باختری و فلسطینی های ساکن در مناطق اشغالی بود.

اقدام دیگر، ایجاد محدودیت برای صرافی ها و کنترل شدید تبادلات بانکی بود. بانک ها موظف شدند حواله هایی را که ارزش آنها بیش از پانصد دلار بود، گزارش دهند و اگر فردی خبر نمی داد که مبلغی حواله شده است، بازداشت می شد. همه این وقایع به پیش از سال 2002 مربوط بود. پس از آن سال، قوانین تشدید شد و باید اطلاعات همه حواله ها به سازمان اطلاعات صهیونیستی یا سازمان اطلاعات تشکیلات فلسطین گزارش می شد. این مسئله، مانعی در مسیر انتفاضه در کرانه باختری ایجاد کرد و اگر پولی مشکوک به نظر می سید، آن فرد بازداشت می شد. برای نمونه، هر پولی که از اردن به جنبش جهاد اسلامی حواله می شد، مصادره می شد و افرادی که مسئول این کار بودند، بازداشت می شدند. همین ایجاد محدودیت برای حواله کردن پول برای مقاومت فلسطین، مانع مهمی در مسیر مقاومت در کرانه باختری محسوب می شود.

● موضع کشورهای منطقه، به ویژه کشورهای عربی در مورد انتفاضه سوم چیست؟

انتفاضه اخیر در شرایط بسیار حساس امت اسلامی آغاز شده؛ اما متأسفانه امت

اسلامی به ویژه امت عربی گرفتار مشکلات خویش است. مهم‌ترین حامی فلسطین از ابتدا تاکنون فقط ایران بود که متأسفانه در حال حاضر گرفتار مسئله سوریه و درگیر پرونده عراق و یمن است. مواضع کشورهای دیگر نسبت به فلسطین نیز معلوم است. عربستان سعودی از ابتدا به صورت مخفیانه با رژیم صهیونیستی رابطه داشت؛ ولی امروز رابطه‌اش آشکار شده و خواهان ائتلاف با رژیم صهیونیستی است. در مصر در زمان انقلاب و ریاست مرسى، امکان قاچاق سلاح به صورت محدود فراهم بود؛ اما باز هم شرایط ایده‌آل نبود و مصری‌ها در آن مقطع نیز علیه رمضان عبدالله، دبیرکل جنبش جهاد اسلامی فلسطین موضع‌گیری می‌کردند.

متأسفانه در حال حاضر، حمایت خوبی از طرف کشورهای عربی و اسلامی وجود ندارد و موضع مردم این کشورها در زمینه انتفاضه اخیر مردم فلسطین مناسب است. در نتیجه، مقایسه حمایت‌هایی که از انتفاضه‌های اول و دوم به عمل آمد با حمایت اندک و ناچیز از انتفاضه سوم، باعث سرخوردگی بسیاری از مردم فلسطین شده است.

● زمینه‌ها و علل شکل‌گیری انتفاضه سوم چه مواردی بوده است؟

حمله رژیم صهیونیستی به مسجدالاقصى و تلاش مردم فلسطین برای ممانعت از این اقدام، نقطه شروع انتفاضه سوم است. یکی از شیوه‌های مردم برای مقابله با تهاجمات صهیونیست‌ها، ورود افرادی به عنوان محافظ به داخل مسجدالاقصى بود. رژیم صهیونیستی با ورود مردها و ایفای نقش توسط آنها برای محافظت از مسجدالاقصى مخالفت کرد و به همین دلیل، زنان جای مردان را گرفتند و توانستند از مسجدالاقصى حفاظت کنند. به این صورت که آنان مکانی را برای آموزش و حتی برگزاری جشن‌ها به وجود آوردند تا فرصتی برای خالی بودن مسجدالاقصى وجود نداشته باشد و صهیونیست‌ها نتوانند از خالی بودن آن



مسجد سوءاستفاده کند. ولی در نهایت، رژیم صهیونیستی به مسجدالاقصی حمله کرد و در نتیجه این اقدام، خیزش مردمی آغاز شد، زیرا مسجدالاقصی در داخل فلسطین و سرزمین‌های اشغالی، آخرین خط قرمز فلسطینی‌ها محسوب می‌شود.

● شما از خط قرمزها در فلسطین سخن گفتید. آیا خط قرمز دیگری باقی مانده است؟ آیا صهیونیست‌ها طی چند دهه گذشته از این خط قرمزها عبور نکرده‌اند؟

اقدامات رژیم صهیونیستی تدریجی است؛ به گونه‌ای که سم را به صورت تدریجی و نه یکباره به طرف مقابل می‌خوراند. برای مثال، ابتدا اقدامی را در مسجدالاقصی انجام می‌دهد که ممکن است واکنش گسترده‌ای در سطح جامعه داشته باشد؛ اما در ادامه و در واکنش به اقدامات دیگر صهیونیست‌ها، دامنه و عمق واکنش‌ها کمتر می‌شود، به نحوی که در اقدامات بعدی، دیگر کسی واکنش نشان نخواهد داد. رژیم صهیونیستی می‌داند که اگر به صورت مستقیم کاری انجام دهد، واکنش تندی خواهد دید. به همین دلیل، همیشه سعی کرده است خواسته‌هایش را به صورت تدریجی و مرحله به مرحله به مردم فلسطین و جهان اسلام تحمیل کند.

● به نظر می‌رسد با گذشت زمان، آهنگ مبارزات در انتفاضه سوم کند شده است.

مبارزات و اقدامات جوانان فلسطینی در سه تا چهار ماه اول روند خوبی داشت؛ اما به تدریج رو به افول گذاشت و در حال حاضر، شاهد کاهش بسیار شدید آن هستیم. این مسئله دو علت دارد: یکی اینکه خاستگاه و بستر حمایت سیاسی و معنوی عربی - اسلامی از انتفاضه وجود ندارد و دومین علت نیز نبود حمایت مالی از انتفاضه و مقاومت فلسطین است.

همان‌طور که می‌دانید، مردم کرانه و قدس محاصره شده‌اند و پولی ندارند و اگر بخواهند انتفاضه گسترده‌ای را تدارک ببینند، به پول نیاز دارند. در حال حاضر برای

گروه‌های فلسطینی پولی باقی نمانده و وضعیت مالی جنبش جهاد اسلامی و حماس بسیار بد است. در واقع، حمایتی از گروه‌های فلسطینی وجود ندارد و حمایت اندکی هم که می‌شود برای بازسازی است و همین نیز محدود است.

افرادی که وارد مبارزه می‌شوند باید از مسائلی مانند درآمد، مسکن و امنیت خود بگذرند. به همین دلیل، اعضای حماس و جهاد اسلامی نمی‌توانند نقش رهبر و هدایتگر را برای چنین انتفاضه‌ای بازی کنند، زیرا چنین اقدامی تبعاتی دارد که باید تحمل کنند و این تحمل از توان آنها خارج است. برای مثال، اگر کسی شهید یا زندانی شود حماس و جهاد باید خانواده‌اش را از لحاظ مالی مورد حمایت قرار دهند که در حال حاضر، توان مالی چنین اقدامی را ندارند.

بنابراین، نبود حمایت مادی، معنوی و سیاسی از فلسطینی‌ها و انتفاضه فلسطین باعث ضعف انتفاضه شده است، به نحوی که شاید بعد از مدتی، آتش انتفاضه خاموش شود. به همین دلیل، استمرار انتفاضه نیازمند حمایت سیاسی و مالی است. اخوان المسلمین هم که در گذشته یکی از منابع حمایت‌های مالی بود به علت وضعیت بد مالی کنونی نمی‌تواند از گروه‌های فلسطینی حمایت مالی کند. تشکیلات خودگردان فلسطین نیز مخالف این انتفاضه است و به صورت آشکار می‌خواهد جلوی آن را بگیرد. بنابراین ضعف مادی، یک عامل بسیار مهم و تأثیرگذار منفی است.

انتفاضه‌ای که آغاز شد در ابتدا با امکانات بسیار محدود جوانان مواجه بود. البته وضعیت مالی این جوانان اغلب خوب بود. برای مثال، شهید محمد الحلبی که آغازگر این انتفاضه و از اعضای جنبش جهاد اسلامی فلسطین بود از وضعیت مادی خوبی برخوردار بود و در جریان همین انتفاضه، رژیم صهیونیستی منزل وی را خراب کرد. مسئله دیگر این است که مردم پول خود را برای بازسازی خانه‌هایی که رژیم صهیونیستی خراب کرده است، هزینه می‌کنند. البته این کار، همیشگی نیست و تا زمان خاصی می‌تواند ادامه پیدا کند، زیرا مردم وضعیت



مالی خوبی ندارند و همین مسئله بر انتفاضه مردم تأثیر گذاشته است.

● نقش جهاد اسلامی در انتفاضه اخیر چیست؟

گروه‌های مقاومت فلسطینی از انتفاضه مردم فلسطین کم و بیش حمایت می‌کنند؛ اما نمی‌خواهند به تنهایی مسئولیت این انتفاضه را بر عهده بگیرند. هدف گروه‌های فلسطینی، مردمی نگه داشتن انتفاضه است تا به یک یا چند گروه فلسطینی محدود نشود. جنبش جهاد اسلامی نیز نمی‌تواند همه هزینه‌های مادی انتفاضه را بپردازد. اعضای جنبش جهاد اسلامی در این انتفاضه شرکت داشتند و تاکنون 21 نفر از این اعضا شهید شده‌اند. این شهدا عضو جنبش جهاد اسلامی بودند، نه اینکه هوادار آن باشند. برای نمونه، جنبش جهاد اسلامی، خانواده‌های ضیاء طلاحمه و محمد حلبی را که در جریان انتفاضه به شهادت رسیدند، مورد حمایت مالی قرار داده است.

● نگرانی ما نسبت به جامعه فلسطین، چه در غزه و چه در کرانه باختری این است که جامعه فلسطین لیبرالیزه شود و دست از مقاومت بردارد. راهبرد دشمن این است که مردم فلسطین از طریق اقدامات اقتصادی کشورهای حامی گفتمان سازش در غزه و کرانه باختری و با پمپاژ فضای فرهنگی مسموم و از طریق اقدامات اقتصادی و فرهنگی به این نتیجه برسند که گزینه مقاومت را کنار بگذارند.

وقتی انتفاضه اخیر در کرانه شروع شد 67 درصد مردم، انتفاضه مسلحانه را تأیید کردند. اولویت گروه‌های مقاومت، مقاومت بدون درگیری با تشکیلات است؛ یعنی به هیچ وجه نمی‌خواهند با تشکیلات خودگردان فلسطین درگیر شوند. اگر به نقشه کرانه باختری نگاه کنید، همه قسمت‌های آن اشغال است، حال چه تشکیلات خودگردان باشد چه جهاد اسلامی. نباید کرانه باختری را با ایران، سودان یا الجزایر مقایسه کرد. این منطقه شش هزار کیلومتر مربع وسعت دارد که 8 درصد در اختیار تشکیلات خودگردان است و 32 درصد در اختیار منطقه دیگر

که با آن 8 درصد، 40 درصد را در بر می گیرد. بنابراین 60 درصد باقی مانده در اختیار اسرائیل است و وضعیت امنیتی و اقتصادی و حتی آب و برق آن را نیز همین کشور بر عهده دارد. همچنین منطقه کشاورزی که فلسطینی ها حق ورود به آن را ندارند نیز در اختیار رژیم صهیونیستی است. می توان گفت که پارلمان اسرائیل به تازگی طرحی داد که مناطق «ج» (یعنی همان 60 درصد) را به رژیم صهیونیستی ملحق کند. وقتی رژیم صهیونیستی خواست از منطقه غزه که دو میلیون نفر جمعیت دارد، خارج شود همه این منطقه و زیربنای آن را نابود کرد. حتی درخت های قدیمی را از بین برد و در حال حاضر هم آب و فاضلاب را به آب های زیرزمینی غزه انتقال داد تا آن را غیرقابل شرب کند. از طرف دیگر، مصر آب دریا را وارد آب زیرزمینی غزه کرد تا آن را بیشتر نابود کند. در فلسطین، دیگر اقتصادی نمانده است تا مردم بخواهند با آن مقاومت کنند. بنابراین مسئله مالی یکی از مسائل مهم فلسطین است. من قبل از زندانی شدن با هزینه خودم دست به عملیات زدم. انتفاضه اول، هفت سال و انتفاضه دوم، پنج سال دوام آورد و بسیاری از افراد در جریان این وقایع شهید شدند، سپس به خانواده آنها مقداری پول داده شد. رژیم صهیونیستی در فلسطین بر همه چیز احاطه دارد؛ بنابراین نمی توانید جنبه مادی مسئله را نادیده بگیرید.

مسئله دیگر درباره اموال زیادی است که توسط کشورهایمانند عربستان سعودی به صورت سلاح در جهان اسلام خرج می شود؛ چنان که علیه مردم یمن، سلاح هزینه می کنند و اگر این پول صرف فلسطین می کردند، نه یک نفر بلکه شش هزار فلسطینی آزاد می شدند. مسئله دیگر این است که با وجود کاهش قیمت نفت، درآمد عربستان سعودی یا کشورهای عرب حوزه خلیج فارس در عرض یک سال قبل، 700 میلیارد دلار پول نقد بود؛ در حالی که امریکا، اروپا و بعضی از کشورهای عربی دچار بحران اقتصادی بودند. حال آیا ملت فلسطین برای آزادی به 700 میلیارد دلار نیاز دارد؟ خیر، فقط یک میلیارد دلار برای 50



سال مقاومت مردم فلسطین کافی است.

گمان نکنید وضعیت مردم فلسطین آنقدر خوب است که بتوانند مقاومت کنند یا مثل مردم فرانسه آنچنان آزادی دارند که هر جایی دلشان خواست بروند. در واقع، مردم کرانه و غزه در یک زندان و یک قفس هستند. دروازه های نوار غزه به مدت 85 روز بسته شد و پس از این مدت، فقط برای دو روز باز بود، در حالی که نوار غزه به اندازه یک سوم شهر تهران است.

بعد از انتفاضه دوم در کرانه باختری، 650 ایست بازرسی ایجاد کردند. برخی از گذرگاه های کرانه مثل گذرگاه های میان دو کشور است و عبور از آنها را سخت کرده اند. فکر نکنید مقاومت آزاد است که هر وقت هر کاری خواست، انجام دهد.

مشکل دیگر، رژیم صهیونیستی است. همان طور که می دانید، رژیم صهیونیستی یک قدرت برتر در منطقه است که در سال، 200 میلیارد دلار تولید ناخالص ملی دارد و از امریکا و جاهای دیگر 10 میلیارد دلار کمک دریافت می کند. ما عرب ها را سرزنش می کنیم و از ایران توقعی نداریم. عرب ها میلیارد ها دلار درآمد دارند و نه تنها کاری انجام ندادند، بلکه به مردم فلسطین فشار هم آوردند تا از آرمان خود عدول کنند.

● برخی از گروه های فلسطینی مانند حماس در موضع گیری نسبت به مسائل و بحران های منطقه، به جای توجه به مسئله اصلی جهان اسلام یعنی مسئله فلسطین مسائلی مانند هویت سنی، اخوانی و عربی خود را بر هویت مقاومت ترجیح دادند و مواضع خاصی اتخاذ کردند. جنبش جهاد اسلامی، خود را از لحاظ هویتی چگونه تعریف می کند؟

من بخشی از طرح اسلامی و همان طرح انقلاب اسلامی ایران هستم و هیچ وقت به جدایی میان این انقلاب و مسئله فلسطین قائل نبوده ام. در واقع، این طرح انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی (ره) و پس از ایشان به رهبری امام خامنه ای است. هویت جهاد اسلامی، واضح است. هویت اصلی و معادله اساسی ما، اسلام و

فلسطین است. ما حرکتی سیاسی با پیشینه اسلامی هستیم و بیشترین تأثیر را در این روند از ایران گرفتیم؛ زیرا ایران یک طرح اسلامی است که باید در میان امت اسلامی و جهان تعمیم پیدا کند و حفظ شود. تنها ویژگی ما این است که طرح غربی را که در برابر طرح اسلامی با زور ایجاد شد، درک کردیم. هدف طرح غرب، مقابله با اسلام، غارت منطقه و در نهایت، تشکیل رژیم صهیونیستی است و همه اینها دیدگاه حضرت امام خمینی (ره) نسبت به غرب و طرح آنان است. ما دریافتیم که مرکز این توطئه و طرح، رژیم صهیونیستی است. از این رو، هدف اصلی ما را مقاومت در برابر این رژیم قرار دادیم. به نظر ما، وحدت مهم‌ترین چیز است که باید شامل همه امت اسلامی شود. ما فرقی میان سنی و شیعه قائل نیستیم و بر اساس دیدگاه قرآن، همه از یک امت هستیم. شیعه بهتر از سنی و سنی بهتر از شیعه است، در صورتی که تقوی پیشه کنند. موضوع ما برای جهاد اسلامی فقط مقابله با رژیم صهیونیستی و ایجاد امت واحد در برابر خطر تهدید کننده ما یعنی رژیم صهیونیستی است که حامی آن امریکا است.

● برخی از گروه‌های مقاومت فلسطین در جریان حوادث اخیر منطقه‌ای، رویکردهای متفاوتی از محور مقاومت اتخاذ کردند. موضع جنبش جهاد اسلامی در رابطه با بحران‌های منطقه چیست؟

ایران از ابتدای انقلاب اسلامی با تبلیغات گسترده‌ای علیه خود مواجه بوده است؛ برای مثال این طور تبلیغ می‌شود که هدف ایران، فلسطین نیست، بلکه توسعه شیعه است. در گذشته، مردم تحت تأثیر قرار نمی‌گرفتند؛ اما در حال حاضر، وضعیت حساس است. برای مثال، گروه‌های زیادی در عراق تحت نفوذ ایران هستند و فعالیت می‌کنند. حتی عده‌ای در عراق، طرفدار ایران هستند و در مقابل، افرادی هم از ایران خوششان نمی‌آید. بنابراین چاره‌ای نیست و باید تحمل کرد تا اهداف محقق شود. در سوریه نیز همین‌طور است و ایران در آنجا گرفتار یک جنگ جهانی است. این مسئله به دلیل شیعه‌گرایی نیست، بلکه به خاطر افکار



سیاسی و جنگ است؛ اما برخی افراد از این جریان سوءاستفاده می کنند و می گویند که گفته بودیم طرح ایران، توسعه شیعه است و به همین دلیل ایران، شیعه ها را به سوریه فرستاده است. این مسئله در فلسطین بدتر است و زمینه توهین به ایران در فلسطین راحت تر فراهم می شود، زیرا فلسطین یک مسئله اصلی و محوری امت اسلامی است.

در گذشته، هر کس از فلسطین حمایت می کرد مردم دنیا با او بودند، مانند امام خمینی (ره) که طرح آزادسازی فلسطین را داد و مردم دنیا هم از آن حمایت کردند. از سیدحسن نصرالله و آقای احمدی نژاد نیز حمایت می شد؛ ولی در حال حاضر وضعیت به خاطر مسائل ایجاد شده تغییر کرده است. امروز بحران همه جا را گرفته است و هر تبلیغی روی وجهه ایران اثر دارد.

● در حال حاضر، رابطه شما با نظام سوریه به چه شکل است؟ آیا دفاتر شما در دمشق فعال هستند؟ آیا با نظام ارتباط دارید؟

بله، ارتباط داریم. دکتر رمضان عبدالله همراه با خانواده اش در سوریه زندگی می کند. قرار بود فرزند وی برای تحصیل به مصر برود، ولی به سوریه بازگشت. بیشتر رهبران جنبش جهاد اسلامی در سوریه هستند. موضوع درخور توجه این است که ابتدا شک و تردیدی درباره موضع جهاد اسلامی فلسطین در برابر مسئله سوریه پیش آمد. در مسئله سوریه بی طرفی ما به این معنی نیست که موضع نداریم؛ موضع داریم ولی نمی خواهیم در مسائل سوریه دخالت کنیم، چون داخل فلسطین چنددستگی وجود دارد و مسائل سوریه، این چنددستگی را بیشتر می کند. ما مهمان هستیم و حق نداریم در مسائل سوریه دخالت کنیم. بنابراین بهتر است رویکرد ما فقط فلسطین باشد، زیرا اگر بخواهیم وارد مسائل سوریه شویم، به طور حتم رویکرد خود را نسبت به فلسطین فراموش خواهیم کرد و این مسئله ما را منحرف می کند. در ابتدا بعضی از ما خواستند که با نظام باشیم و

بعضی خواستند که ضد نظام حرکت کنیم، ما این پیشنهادها را قبول نکردیم و گفتیم ما فقط با فلسطین هستیم و رویکرد ما فقط فلسطین است، زیرا هر نوع ورود به مسئله سوریه، خدمت به طرح رژیم صهیونیستی است. ما فقط می‌خواهیم در خدمت طرح‌های عربی و اسلامی باشیم و به همین دلیل دخالت نکردیم. همچنین فقط ضد طرح‌های غربی هستیم. ما در جهاد اسلامی، اختلاف نظرهایی داریم؛ ولی هیچ وقت عمیق نبوده است. ما هیچ وقت نمی‌خواهیم در مسئله سوریه دخالت کنیم، زیرا یک مسئله داخلی است. خوشبختانه برای همه مشخص شد که طرح ایجاد شده در سوریه برای ایجاد دموکراسی نبوده، بلکه در راستای نابودی سوریه و به نفع رژیم صهیونیستی بوده است.

مسئله دیگر این است که ما نمی‌توانیم به صورت نظامی در جنگ سوریه شرکت کنیم، زیرا قدرت ما در خارج، بسیار محدود است و هر قدرتی که داریم، مربوط به داخل است. ما در جنبش جهاد اسلامی، تحت فشار گسترده‌ای قرار داریم. برای نمونه یک ماه قبل، رهبران جنبش جهاد اسلامی به صورت علنی از طرف علمای سعودی تبعید شدند و گفتند یا از مقاومت دست بردارید یا شما را تکفیر می‌کنیم. همان‌طور که می‌دانید، تکفیر در جهان اسلام مسئله ساده‌ای نیست. ما قدرت نداریم که با همه مقابله کنیم و بی‌طرف هم نیستیم؛ اما فشارها زیاد است. در صورتی که آنها بخواهند ما را تکفیر کنند، آدم‌های پریشان بسیاری وجود دارند که برای انجام عملیات به سمت ما بفرستند. حتی گروه‌های سلفی نیز علیه ما حرف می‌زنند. زمانی که مصطفی بدرالدین به شهادت رسید، من به دفتر حزب الله رفتم و با خبرنگاران دیدار کردم و فاتحه نیز خواندم. بعد از آن به من فحش‌های زیادی دادند. بالاخره ما آزادی زیادی نداریم و بسیاری از مواقع، رابط حماس و ایران و همچنین ایران و قطر هستیم. در واقع ما نمی‌توانیم این نقش را از دست بدهیم و باید آزادی اندک‌مان را نگه داریم. من حدود شش سال است که از ایران خارج نشده‌ام و در این مدت در ایران زندانی هستم.

گاهی ما به صورت مستقیم نمی‌گوییم با چه کسی هستیم؛ ولی وقتی کنار عکس کسی بایستیم، موضع مان مشخص می‌شود. موضع ما موضع ساده‌ای نیست و کاملاً دقیق و حساب شده است. خط ما نیز همان چیزی است که مقام معظم رهبری فرمودند و آن دفاع از فلسطین و اسلام است. در مقابل می‌بینیم رئیس اطلاعات سابق عربستان می‌خواهد یک ائتلاف فکری و مالی با رژیم صهیونیستی ایجاد کند. ما که حرکتی اسلامی، جهادی و مقاومتی هستیم چه خطی را انتخاب می‌کنیم؟ به طور حتم همان خط دفاع از اسلام و فلسطین را انتخاب می‌کنیم و این موضع ماست.

ما با کسی خواهیم بود که از اسلام حمایت کند؛ اما در مقابل شاهدیم که طرف مقابل در خط سازشکاری با رژیم صهیونیستی است. در حال حاضر طرح عربی، طرح تصفیه فلسطینی است و می‌خواهند مسئله فلسطین را به طور کامل حذف کنند. در مقابل آن، طرح ایران همان طرح اصلی و طرح اسلام واقعی است؛ اما ما خط مقابل را که خط سازش است، ترک می‌کنیم، حتی اگر بخواهند در پول غرق مان کنند.

● از نظر ما نیز مواضع جنبش جهاد اسلامی در برابر تحولات منطقه، هوشمندانه بوده است. جمهوری اسلامی هم انتظار ندارد جنبش جهاد اسلامی در بحران سوریه به نفع این کشور یا ضد آنان مداخله‌ای کند، زیرا به صلاح این جنبش و مسئله فلسطین نیست.

نکته دیگر این است که باید نگاهی واقع‌بینانه به شرایط داخلی فلسطین داشت و شاید مقایسه آن با شرایط ایران قبل از انقلاب درست نباشد. فلسطین کشوری است که حدود صد سال تحت استعمار انگلیس و اشغال صهیونیست‌ها قرار داشت و امروز هیچ فلسطینی نیست که خاطره‌ای از اشغالگری نداشته باشد. در حال حاضر، مقاومت فلسطین در دو جبهه درگیر است؛ یکی در داخل خود که همان تشکیلات خودگردان است و دیگری با رژیم صهیونیستی. در شرایط منطقه‌ای فعلی، حمایتی که در گذشته از فلسطین وجود داشت، دیگر دیده



نمی‌شود. زمانی کشورهایی مانند مصر و اردن در جبهه مبارزه با رژیم صهیونیستی بودند؛ اما اکنون همه آنها به طرح غربی‌ها پیوسته‌اند و سوریه هم در معرض بحران سهمگینی قرار گرفته است. آنها کاری کردند که حتی در صورت خاتمه بحران، باید زمان زیادی بگذرد تا سوریه به قبل از سال 2011 برگردد و بتواند قدرتی را که جنبه بازدارندگی در برابر رژیم صهیونیستی داشته باشد، در خود ایجاد کند.